

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی  
دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

سال یازدهم، شماره ۴۱ (بهار ۱۴۰۱) صص ۱۷۸-۱۵۱

## حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و امنیت ملی در پرتو نظریه عملیات تأثیر محور

● محمدرض زبیزی ●

دانشجوی مقطع دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

● محمدعلی صلح‌چی ●

دانشیار حقوق بین‌الملل و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

● محمدرضا حسینی ●

دانشیار حقوق بین‌الملل و عضو هیئت‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

### چکیده

تحول در نظریه‌های امنیت بین‌الملل، تغییر در بنیان‌های هنجاری حقوقی بین‌المللی را موجب می‌شود و این امر مراتب متفاوتی را از تفسیر تا تغییر و نسخ قوانین موجب می‌گردد که حداقل آن ایجاد تفسیری متفاوت و بلکه متباین از تفاسیر قبلی است و حداکثر آن نیز نسخ قوانین قبلی یا تحول در اساس معنای قوانین رایج است؛ از این رو می‌طلبد تا نظریه‌های مطرح در حوزه امنیت بین‌المللی مورد مطالعه قرار گیرند تا در روند ارزیابی نسبت نظریه و حقوق رابطه متقابل تأثیر آن‌ها بر یکدیگر و شکل‌گیری فرآیندهای نوین هنجار سازی و قانون سازی در محیط بین‌المللی به درستی ادراک گردند؛ بر این اساس سؤال اصلی این پژوهش آن است که نظریه عملیات تأثیر محور چه پیامدهایی را در تحقق و اعمال حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و به تبع آن در تضمین امنیت ملی مناطق درگیر مداخلات مسلحانه ایجاد می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد و نتیجه اجمالی این تحقیق این است که نظریه عملیات تأثیر محور، از رهگذر غلبه و تحمیل اراده خود به حقوق بین‌الملل، قصد دارد تا روند تقنین در عرصه بین‌المللی را متأثر نماید و این امر نهایتاً جریان امنیت و صلح را هم در حوزه ملی و هم در حوزه بین‌المللی دچار مخاطره خواهد نمود.

**کلید واژگان:** امنیت ملی، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، عملیات تأثیر محور، نظریه جنگ

نظریه عملیات تاثیرمحور به عنوان مبنای نظری اقدامات نظامی و قهرآمیز ایالات متحده آمریکا، نظریه‌ای است که معنای اقدامات و عملیات نظامی را دچار تحول بنیادین نموده است چنان که کنش گری نظامی و جنگ را از حوزه صرفاً نظامی به سایر حوزه‌ها و ابعاد حیات بشری تسری داده است. این امر از رهگذر تغییر ملاک نبرد از تخریب محوری به تأثیر محوری هیچ عرصه‌ای از حیات بشری را مستثنی ننموده و همه ابعاد زندگی انسانی را آماج خود قرار داده است؛ بنابراین حقوق بین‌الملل نیز تحت تأثیر این نظریه خواهد بود؛ همچنان که هنجارها اعم از حقوقی، فرهنگی، اقتصادی و... در ساحت وجودی خود، وابسته به ایده‌ها یا نظریه‌هایی هستند که مولد نظام‌های هنجاری پیش‌گفته هستند و برای ادراک روشن‌تر از نظام هنجاری باید از ایده یا نظریه مولد آن آگاهی یافت و شناخت و تصور صحیح و دقیقی از ایده یا طرح موجد نظام هنجاری پیدا نمود؛ همچنان که توسعه حقوق بشردوستانه بین‌المللی تحت تأثیر طیف گسترده‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی و ادعاهای محقق شده است (Hill & Cawthorne, 2018: p1215)؛ لذا شناخت نظریه‌ها و پیامدهای آن‌ها بر روند شکل‌گیری حقوق و پدیده‌های حقوقی در عرصه بین‌المللی به عنوان یک ضرورت می‌تواند تصور و ادراک روشن‌تری را از تحولات در حقوق بین‌الملل ترسیم کنند و این امر می‌تواند به تلاش‌های حقوقی - بین‌المللی جهت‌دهی دقیق‌تری را ارائه نماید که محصول آن‌هم در حوزه علمی و هم در حوزه عملی خود را نمایان می‌کند. از سوی دیگر نظریه‌ها مبنایی برای سیاست‌گذاری توسط سیاست‌گذاران محسوب می‌شوند به این معنا که سیاست‌گذاری به یاری جامعه و سیاسیون می‌آید تا حلقه ارتباطی بین جامعه و قدرت باشد. سیاست‌گذاری فرآیندی پیچیده و چندبعدی است و عوامل متعددی بر آن تأثیر می‌گذارند. هدف از تحلیل سیاست‌گذاری شناخت این عوامل و متغیرهاست این رویکرد (سیاست‌گذاری) به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه ایده‌ها به سیاست و قوانین رسمی تبدیل می‌شوند و نهایتاً در جامعه موردنظر به مرحله اجرا درمی‌آیند (جلیلی قاسم آقا، ۱۳۹۷: ص ۱۰۶). این امر (سیاست‌گذاری) در محیط بین‌المللی نیز تابعی از نظریات مطرح و غالب در روابط بین‌المللی است؛ بنابراین نظریه عملیات تاثیرمحور (EBO) در اینجا به عنوان عملیاتی تعریف شده و برنامه‌ریزی شده در یک چارچوب نظام‌مند است که طیف کاملی از تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و ناگهانی را در نظر می‌گیرد - تأثیراتی که با درجات مختلف احتمال ممکن است با استفاده از نیروی نظامی، ابزارهای دیپلماتیک، روان‌شناختی

و اقتصادی حاصل شود (Davis, 2001: p111). بر این بنیان، پژوهش حاضر سعی دارد تا با پرداختن به نظریه عملیات تأثیر محور به عنوان یک ایده مهم و مطرح در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی، به تبیین نسبت بین نظریه مذکور با اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی از یک سو و از سوی دیگر نسبت آن با موضوع امنیت ملی بپردازد؛ چراکه وقوف به چارچوب نظریه عملیات تأثیر محور و ادراک دقیق نسبت‌های پیش‌گفته با نظریه می‌تواند چارچوب مناسبی را برای تحلیل رویدادها و روندهای حقوقی که طی آن امنیت ملی و بین‌المللی تحت تأثیر قرار می‌گیرند فراهم آورد و زمینه لازم را برای تصمیم‌گیران را ایجاد کند؛ لذا سؤال اصلی این پژوهش آن است که نظریه عملیات تأثیر محور چه پیامدهایی را در حوزه حقوق بشردوستانه بین‌المللی و به تبع آن در حوزه امنیت ملی ایجاد می‌کند؟

### پیشینه تحقیق

در بررسی‌های انجام‌شده از طریق مراجعه به آثار موجود اعم از کتاب‌ها و منابع الکترونیکی، منبعی که به موضوع "حقوق بشردوستانه بین‌المللی و امنیت ملی در پرتو نظریه عملیات تأثیر محور" پرداخته باشد، یافت نشد؛ لیکن برخی منابع که با موضوع مرتبط است به دست آمده است که در ذیل ذکر شده: هیکه کریگر<sup>۱</sup> و جونس پوشمن<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در کتاب "قانون‌گذاری و مشروعیت در حقوق بین‌الملل بشردوستانه" با بررسی روند قانون‌گذاری در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و بازیگران فعال در این عرصه معتقدند که حقوق بین‌الملل بشردوستانه به دلایلی از جمله درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، تهدیدات تروریستی و ظهور فناوری‌های جدید در وضعیت آشفتگی قرار دارد و این در حالی است که به نظر می‌رسد دولت‌ها تمایلی به عمل به عنوان عوامل تغییر ندارند؛ لذا شاهد وضعیتی هستیم که طی آن روش‌های غیررسمی قانون‌گذاری در حال رشد هستند، این امر حاکی از آن است که نه تنها دادگاه‌ها بلکه بازیگران غیردولتی مختلف برای پیشرفت‌های حقوقی فشار می‌آورند، این کار با تمرکز بر مشروعیت فرآیندهای قانون‌گذاری و بازیگران درگیر، بینشی دوطرفه از علل این وضعیت ارائه می‌نماید؛ بنابراین بررسی فرآیندهای قانون‌گذاری بیانگر آن است که تحولات کنونی شامل اختلاف نظر گسترده‌ای است در مورد جهتی که حقوق بشردوستانه بین‌المللی باید در آن سمت تکامل یابد.

1. Heike Krieger

2. Jonas Puschmann

آنتونی راجرز<sup>۱</sup> و پل مالرب<sup>۲</sup> (۱۳۸۷) در کتاب "قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه" بر این موضوع تأکید دارند که به‌رغم اینکه وقتی از نیروهای مسلح خواسته می‌شود تا مأموریت نظامی خود را در چهارچوب موازین حقوقی به اجرا درآورند، اطمینان خاطر چندانی از خود نشان نمی‌دهند و معمولاً بیم دارند که این امر کارایی نداشته باشد؛ لیکن حقوق مخاصمات مسلحانه با اصول اولیه نظامی از قبیل اجتناب از هدر رفتن نیرو، سادگی عملیات، تمرکز نیرو، وحدت عمل و آزادی عمل مطابقت دارد و تمرکز نیرو بر روی اهداف اصلی و دور نگاه‌داشتن آن از اشخاص یا اشیائی که از ارزش نظامی کمی برخوردار بوده یا فاقد ارزش نظامی می‌باشند، مقتضیات نظامی و بشردوستانه، هر دو را تأمین می‌نماید. ضیایی بیگدلی (۱۳۹۶) در کتاب "حقوق بین‌الملل بشردوستانه" بیان می‌کند: حقوق بشردوستانه به‌عنوان یکی از شاخه‌ها یا شعبات حقوق بین‌الملل، مقام و موقعیتی حساس و برجسته دارد و یکی از محورهای مهم و اساسی در حقوق بین‌الملل انسانی است؛ چراکه امروزه بدون تردید جامعه جهانی، جامعه انسانی و حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشردوستانه، مشحون از اصول انسانیت است؛ از سوی دیگر، حقوق بشردوستانه در برابر یک تناقض آشکار قرار دارد، ممنوعیت یا تحریم جنگ از یک سو و وجود مقررات بشردوستانه ناظر بر زمان جنگ از سوی دیگر؛ به بیان بهتر، اگر کشورها نباید به جنگ متوسل شوند، پس چگونه می‌توان قواعدی را ناظر بر روند جنگ یا انسانی کردن جنگ وضع و اجرا نمود؛ اما امروزه حقوق بشردوستانه بر مبنای واقعیات جهانی و نه آرمان‌های دست‌نیافتنی شکل گرفته و روند توسعه، تحول و تکامل خود را طی می‌کند. تعداد اسناد بین‌المللی و قواعد عرفی و سایر قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مربوط و مخصوصاً شناسایی حقوق بشردوستانه در نظام ملل متحد مؤید درک این واقعیت است.

### مفهوم شناسی تحقیق

#### حقوق بشردوستانه بین‌المللی

حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مجموعه قواعدی است که به دلایل بشردوستانه برای محدود کردن آثار درگیری‌های مسلحانه و حمایت از افرادی که در مخاصمه شرکت نداشته و یا حضور طولانی‌مدت نداشته‌اند شناسایی شده‌اند (ADVISORY SERVICE, 2004: p1). همچنین حقوق بشردوستانه بخشی

1. Anthony P.V Rogers

2. Paul Malherbe

از مجموعه حقوق بین‌الملل است که بر روابط بین دولت‌ها حاکم است و هدف آن حفاظت از افرادی است که در جنگ شرکت نمی‌کنند یا دیگر شرکت نمی‌کنند (Alexandre, 2015: p111)؛ به بیان دیگر مجموعه مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل است که ضمن تعیین حقوق حمایت از افراد انسانی اعم از رزمنده یا غیر رزمنده (غیرنظامی) و اموال غیرنظامی و حقوق طرف‌های متخاصم در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی، تکالیف افراد انسانی و طرف‌های متخاصم را نیز در آن مخاصمات مشخص می‌کند. هدف حقوق بشردوستانه محدود کردن صدمات و لطامات ناشی از درگیری‌های مسلحانه و ممنوع کردن استفاده از برخی وسایل و شیوه‌های نبرد علیه رزمندگان (تحت شرایط خاصی) و افراد غیرنظامی و نیز اهداف غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۲۶).

### اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی

اصول حقوق بشردوستانه آن دسته از قواعد حقوق بین‌الملل است که حداقل استانداردهای بشری را که باید در هر شرایط درگیری مسلحانه مورد احترام قرار گیرند تعیین می‌کند (Melzer, 2019: p17)؛ همچنین قواعد حقوق بشردوستانه تنها نسبت به برخی افراد لازم‌الاجرا می‌باشد. افراد غیرنظامی، اسیران جنگی، مجروحان و بیماران جنگی و مصدومان دریایی و تحت شرایطی برخی از نظامیان، البته برخی از افراد، از جمله مزدوران که تحت حمایت حقوق بشردوستانه قرار نمی‌گیرند تحت حمایت حقوق بشر هستند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۴۳).

### امنیت ملی

مبانی حقوقی امنیت ملی در بردارند نظام مقررات حقوق ملی و بین‌المللی است که تعریف، ارتقا، تنظیم و حفاظت‌کننده از ارزش‌ها و منافع ملی و دولت است. (Mijalković & Blagojević, 2014: p53) امنیت ملی<sup>۱</sup> حالتی است که ملتی فارغ از، تهدید از دست دادن ارزش‌های بنیادین، تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود به سر برد. امنیت ملی، منافع ملی و صیانت ذات کشور همگی متوجه یک پدیده و معنا هستند و آن حفظ وجود خود می‌باشد و منظور از حفظ وجود خود عبارت است از حفظ هویت مادی و معنوی که شامل ارزش‌های ملی در برابر تجاوز و تهدید به تجاوز می‌باشد. این ارزش‌ها شامل حفظ ارزش‌های دینی، حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ سیستم‌های سیاسی و اقتصادی، حفظ استقلال است. روحیه نیروهای نظامی تعداد و هوشمندی دانشمندان، فن‌آوری،

1. National Security

ویژگی‌های رهبران و شخصیت‌های سیاسی و نظامی، موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت اقتصادی کشور از جمله عوامل مؤثر در امنیت ملی است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

### عملیات تأثیر محور

عملیات تأثیر محور<sup>۱</sup>، شکل جدیدی از به‌کارگیری نیرو است که در ابتدای سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح گردید (سوری، ۱۳۸۵: ص ۵). ژنرال دپتولا<sup>۲</sup> از نیروی هوایی ارتش ایالات متحده آمریکا<sup>۳</sup> خاستگاه پیدایش تئوری عملیات تأثیر محور را جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی می‌داند (Jobbagy, 2012: p129). از نظر وی عملیات تأثیر محور یک روش مبتنی بر اجتماع سرمایه‌ها (دارایی‌های قدرت، توانمندی‌ها) است که از رابطه علی بین اقدام و نتیجه استفاده می‌کند (Ibid). به‌عنوان نمونه استفاده از شوک و بهت علیه عراق، حمله‌ای بسیار محدود بود برای کسب فرصت که با حملات هوایی وسیع در ساعات اولیه ۲۰ مارس ۲۰۰۳ میلادی آغاز شد. آن حمله نوعی خاص از نبرد هوایی زیرکانه تلقی می‌گردید که زیربنای آن یک دهه پیشرفت فناوریانه و نوعی تفکر دکترینی جدید بود (همان، ص ۱۳). جنگ عراق از نظر برخی از ناظرین نوعی آزمون نهایی برای استراتژی نظامی آمریکا بود که به آن عملیات تأثیر محور اطلاق می‌شود. نیروی هوایی آمریکا حامی اصلی این شیوه از جنگ است (همان: ص ۱۴).

### عملیات تخریب محور:

مطابق سیاست تخریب محوری حاکم بر مخاصمات مسلحانه، هدف از جنگیدن نابود کردن دشمن و تصرف مرکز حکومت او بود. محور این استراتژی، برخورد یک نیروی انبوه با نیروی انبوه دیگر بود (جوباگی، ترجمه سوری، ص ۱۵).

### ۴- حقوق بشردوستانه بین‌المللی و نظریه‌های جنگ

ادبیات جنگ و صلح، توضیح تغییرات جنگ و صلح در طول زمان و مکان است (Levy, 2018: p2). بنابراین اگرچه حقوق بشردوستانه بین‌المللی در سیر تکوین خود با هنجار سازی‌های متعدد،

1. effects- based operations
2. Deptula
3. SAF

نظریه‌های حاکم بر جنگ یا مخاصمات مسلحانه را متأثر نموده است لیکن این رابطه‌ی تأثیر و اثری باید به صورت نسبتی دوطرفه بررسی شود؛ به این معنا که ابتدا نظریه‌های جنگی ظهور پیدا نموده‌اند و بلکه آثار عملی برآمده از نظریه‌های حاکم بر مخاصمات در ساحت حیات بشری پدیدار شده‌اند و بعد از آن حقوق بشردوستانه در جهت کنترل تبعات و پیامدهای آن‌ها شکل گرفته و اقدام به هنجار سازی نموده است؛ از سوی دیگر حقوق بشردوستانه محدودیت‌هایی را برای انتخاب ابزار و روش‌های جنگ، محافظت از غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی اعمال می‌کند (Icrreport,2019:p16)؛ همچنین حقوق بشردوستانه تنها به محدود ساختن پیامدهای ناشی از جنگ یا مخاصمه می‌انديشد (دیتیر فلک، ۱۳۸۷: ۱۳). از طرفی تئوری‌های نوین حاکم بر درگیری‌های مسلحانه چالش‌هایی را در تعامل حقوق بشردوستانه با مخاصمات مسلحانه ایجاد نموده است همچنان که پیامدهای انسانی ویرانگر جنگ شهری پرسش‌های جدی را پیرامون چگونگی تفسیر و اعمال حقوق بشردوستانه توسط طرف‌های این مخاصمات مطرح می‌کند (Ibid).

### نظریه جنگ آزاد

در دوره‌ای که اقوام و ملل از یکدیگر مجزا می‌زیستند و نسبت به یکدیگر آشنایی نداشتند و بیگانگان را دشمن خود می‌پنداشتند بدیهی است که تماس و برخورد آن‌ها با یکدیگر خواه‌وناخواه منجر به جنگ می‌شد و حالت جنگ به قولی حالت عادی در روابط بین‌الملل بود (ذوالعین، ۱۳۹۵: ۲۱۰). از سوی دیگر نماد تام حاکمیت ملت- دولت توانایی انحصاری آن بود که ابزار خشونت، جنگ به‌عنوان مؤثرترین راه اعمال این انحصار و تأیید مجدد ماهیت نمادین قدرت آن بود (2005: p33 Firchow). این زمینه، خاستگاه نظریه جنگ آزاد بود؛ لذا بررسی تاریخ مؤید این امر است که این نظریه، تئوری بسیار پرهزینه‌ای بوده است؛ نظیر جنگ‌های سی‌ساله که از سال ۱۶۱۸ میلادی آغاز شد و تا سال ۱۶۴۸ میلادی ادامه یافت و از لحاظ طول مدت و وسعت اروپایی که پیداکرده بود و همچنین از نظر بی‌رحمی‌هایی که طی آن قوای طرفین مرتکب شده بودند اثری عمیق در افکار عامه و محافل مختلف اروپایی آن روز ایجاد کرد و بالاخره در سال ۱۶۴۵ میلادی طرفین که به کلی از جنگ خسته شده بودند، مذاکرات را برای صلح آغاز کردند.



## نظریه جنگ مقید

منظور از تئوری جنگ مقید، معنایی است فراگیر که روند شکل‌گیری، تکوین و تدوین مشخصی دارد. پس از خاتمه موفقیت‌آمیز کنفرانس ژنو در سال ۱۸۶۳ میلادی، شورای فدرال سوئیس به ابتکار کمیته ژنو، دولت‌های همه کشورهای اروپایی و چند ایالت آمریکا را به منظور تصویب کنوانسیون بهبود شرایط وضعیت مجروحان در جنگ به کنفرانس دیپلماتیک دعوت کرد. این کنفرانس که در ۱۶ کشور به نمایندگی حضور داشتند از ۸ تا ۲۲ اوت ۱۸۶۴ میلادی به طول انجامید. پیش‌نویس کنوانسیون ارائه‌شده به کنفرانس که توسط کمیته ژنو تهیه‌شده بود توسط کنفرانس بدون تغییرات عمده‌ای تصویب شد.<sup>۱</sup>

دقت در مواد ده‌گانه مصرح در کنوانسیون گویای تحقق اولین زمینه‌های تحدید تئوری جنگ آزاد و نیل به نظریه جنگ مقید است، به‌ویژه مواد<sup>۲</sup> یک و پنج<sup>۳</sup> کنوانسیون که به‌صراحت تحدیدکننده هرگونه تهدید علیه آمبولانس‌ها و بیمارستان‌های نظامی و مجروحین تحت درمان و افرادی که به کمک مجروحان می‌شتابند و همچنین تحت حمایت قرار دادن اماکنی که مجروحان در آن نگهداری و درمان می‌شوند. این تاریخ یعنی ۲۲ اوت ۱۸۶۴ میلادی را می‌توان به‌عنوان نقطه آغاز حرکت انتقالی از نظریه جنگ آزاد به تئوری جنگ مقید در نظر گرفت که بعداً آن روند قابل توجهی در ایجاد تعهدات حقوقی بین‌المللی بشردوستانه آغاز می‌گردد. به‌نحوی که این آغاز منجر به انجام حقوق ژنو<sup>۴</sup> و حقوق ژنو مقدمه ایجاد حقوق لاهه<sup>۵</sup> در حوزه حقوق بشردوستانه بین‌المللی به همان معنای مورد انتظار و فراگیر است که می‌خواهد جنگ را تحت انقاد حقوق و قانون درآورد.

1. <https://ihl-databases.icrc.org/ihl/INTRO/120?OpenDocument> -INTERNATIONAL COMMITTEE OF THE RED CROSS

2. Article 1. Ambulances and military hospitals shall be recognized as neutral, and as such, protected and respected by the belligerents as long as they accommodate wounded and sick. Neutrality shall end if the said ambulances or hospitals should be held by a military force.

3. Art. 5. Inhabitants of the country who bring help to the wounded shall be respected and shall remain free. Generals of the belligerent Powers shall make it their duty to notify the inhabitants of the appeal made to their humanity, and of the neutrality which humane conduct will confer. The presence of any wounded combatant receiving shelter and care in a house shall ensure its protection. An inhabitant who has given shelter to the wounded shall be exempted from billeting and from a portion of such war contributions as may be levied.

4. Geneva law

5. Hague Law



نکته‌ای که لازم به تذکر است این که حقوق بشردوستانه‌ای که انتقال از نظریه جنگ آزاد به تئوری جنگ مقید را فراهم نمود دارای ابعاد و آثار قابل توجهی در حوزه هنجار سازی در حقوق بین‌الملل است و بزرگ‌ترین ره‌آورد تئوری جنگ مقید، نظام سازی هنجاری، در حوزه حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مه‌ار نمودن جنگ و پیامدهای آن از رهگذر غلبه قانون بر جنگ است.

### نظریه جنگ تأثیر محور

تاریخ تکوین جنگ همواره متأثر از ابداعات و نوآوری‌های علمی بشر بوده است. در نسل‌های پیشین جنگ، اختراع دینامیت، موتورهای درون‌سوز، تلگراف و بسیاری دیگر از نوآوری‌های علمی که بی‌درنگ پس از تولد به صحنه‌های رزم و درگیری کشانده شدند، شیوه‌ی جنگ زمان خود را به کلی متحول ساختند؛ به‌واقع باید گفت روند تبدیل ابداعات علمی به فناوری‌های دفاعی یکی از تجارب تاریخی بشر برای بهتر جنگیدن محسوب می‌شود، خاصه در جنگ عصر اطلاعات که این روند - به سبب ماهیت سیال و انتقال‌پذیر اطلاعات - گسترده و پرشتاب‌تر از گذشته در جریان است در این میان، حضور حوزه‌های دانشی اطلاعات محور که علوم شناختی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست از همه پرننگ‌تر است (سوری، ۱۳۸۵: ۱۳)؛ بر این اساس برخی صاحب‌نظران معتقدند که جنگ‌های جدید در هدف، تمرین و نوع شرکت‌کنندگان از جنگ‌های گذشته متفاوت می‌باشند (HENDERSON, 2002: p166)؛ همچنین شواهد تجربی از این ایده حمایت می‌کند که ماهیت جنگ تغییر کرده است (Rigterink, 2014, p1)؛ بنابراین تغییر و تحول یکی از حوزه‌های بسیار مهمی که حضور حوزه‌های دانشی اطلاعات محور، نظیر علوم شناختی موجب تحول اساسی در آن می‌گردد حوزه روابط و حقوق بین‌الملل است که غفلت از آن می‌تواند نه‌تنها کارکرد حقوق بین‌الملل را دچار تحول نماید بلکه می‌تواند غایت حقوق بین‌الملل که تأمین و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است را نیز دستخوش تغییر نماید.

مطابق آنچه در تعریف عملیات تأثیر محور ارائه گردید به نظر می‌رسد مؤسسه‌ی نظریه عملیات تأثیر محور برخلاف تئوری جنگ مقید و رویه تاریخی تکوین حقوق بین‌الملل به دنبال غلبه دادن و حاکم نمودن مخاصمات بر حقوق هستند، یعنی اگر در نظریه جنگ مقید تلاش می‌شد تا مخاصمات تحت انقیاد حقوق کنترل شوند و از پیامدهای مخاصمات کاسته شود و زمینه تحقق حقوق بشردوستانه فراهم شود در تئوری جنگ تأثیر محور تلاش می‌شود حقوق تحت انقیاد مخاصمات تحلیل شود تا بلکه تحقق‌بخش به اهداف از پیش طراحی شده مخاصمات باشد - از سویی دیگر - در دوران معاصر

علوم شناختی که در محیط مساعد انتشار اطلاعات به اوج رشد و بالندگی خود رسیده، تأثیرات ژرفی را بر ابعاد فردی و اجتماعی بشر برجای نهاده و صدا البته که جنگ را - به عنوان مهم‌ترین تلاش ملت‌ها برای توسعه یا حفظ حیات خویش - به شدت تحت تأثیر قرار داده است به طوری که امروزه نادیده انگاشتن تأثیر یافته‌های علوم شناختی بر فضای رزم به معنای عدم درک صحیح از روند حاکم بر جنگ پسا مدرن است، عمق و گستره این تأثیرات به حدی است که بی مبالغه باید جنگ آینده را جنگ شناخت محور بنامیم، مبانی اندیشه نظامی، استراتژی، دکترین، تاکتیک و حتی طراحی سخت‌افزاری جنگ در حال گذر به دوره‌ای است که در آن، تأثیر که ماهیتی شناختی داشته و معطوف به ذهن انسان است، به جای تخریب مورد توجه قرار می‌گیرد (جوباگی، ترجمه سهراب سوری ۳۸۵: ص ۱۳) تا جایی که سند دکترین دفاع و امنیت ملی ایالات متحده آمریکا همه عناصر فرهنگی، روانی، مذهبی، اقتصادی، فن‌آوری، اطلاعاتی، سیاسی و همچنین مخاطرات فراملی را بر عملیات چندملیتی اثرگذار معرفی می‌کند. (Gp1.p II-21) این فرآیند در قالب نظریه عملیات تأثیر محور نهادینه شده است.

لذا از یک سو شاهد تولد مفاهیمی مانند ترور بسم خوب، جنگ نیابتی و قتل هدفمند<sup>۱</sup> و... هستیم و از سوی دیگر با نوعی توسعه و بلکه تحول و دگرگون شدن مفاهیم موجود در اسناد حقوق بشردوستانه مواجه هستیم؛ حتی از نقطه نظر عملی شاهد آن هستیم که این تحول و دگرگونی به جنگ‌های غیر بین‌المللی نیز سرایت نموده است، همچنان که دیده می‌شود که درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نه تنها رایج است بلکه در حال تحول نیز هست (Jelena, 2011, p189)؛ لذا برای تبیین و تفصیل بیشتر به بررسی برخی از عناصر امنیت ملی با اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی در نسبت با نظریه عملیات تأثیر محور خواهیم پرداخت.

## ۵- اصول پنج‌گانه حقوق بشردوستانه و عملیات تأثیر محور

### اصل ضرورت نظامی

بر اساس آنچه از نظر گذشت در چارچوب نظریه عملیات تأثیر محور، دیگر سخن از جنگ صرف، علیه اهداف نظامی نیست که اصل ضرورت نظامی به معنای سنتی آن حاکم باشد بلکه همه انواع و اقسام توانمندی‌های غیرنظامی نظیر دانشمندان، مراکز علمی و... نیز هدف نظامی محسوب می‌شوند

1. Targeted klining

و مفهوم و مصداق مخاصمه به معنا و صورت سنتی آن متحول شده است؛ لذا اصل ضرورت نظامی که در فضای غلبه سیاست تخریب محوری در جنگ به منظور انهدام گسترده نیروها و زیرساخت‌های دشمن ایجاد شد، هرچند ملاک خوبی را برای کنترل روند اقدامات و عملیات نظامی به منظور کاستن از تبعات انسانی جنگ به دست می‌داد، لیکن در پرتو رویکرد یا سیاست تأثیر محوری به نظر می‌رسد از سه جنبه دارای محدودیت در اعمال می‌گردد.

اول؛ در چارچوب تئوری جنگ تأثیر محور ابعاد غیرنظامی نیز مطرح است، مانند ابعاد اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و... که اصل ضرورت نظامی بنا بر تعریفی که در فضای سیاست تخریب محور از آن شده است نمی‌تواند ابعاد دیگر را پوشش دهد، به‌عنوان مثال مخاصمه اقتصادی که منجر به رنج غیرنظامیان می‌گردد یا مانع تأمین نیازمندی‌های ضروری آن‌ها نظیر غذا و دارو می‌گردد که از شمول این اصل خارج است و این اصل نمی‌تواند مانع از اعمال هرگونه اقدام تأثیر محور علیه اهداف اقتصادی غیرنظامی گردد.

دوم؛ ضرورت نظامی در چارچوب سیاست تخریب محوری کاملاً متفاوت از سیاست تأثیر محوری است، مبتنی بر اصل ضرورت نظامی اماکن در چارچوب سیاست تخریب محوری، صرفاً اماکن، جنگ‌افزارها و نیروهای فعال دشمن را می‌شد موردتهاجم قرارداد درحالی که در سیاست تأثیر محوری چنین قیدی مغایر ذات تئوری است و هر مکان، جمعیت، زیرساخت و... را می‌توان آماج تهاجم قرارداد. سوم؛ رویکرد منبث از نظریه عملیات تأثیر محور رویکردی نه‌تنها فعال بلکه بیش‌فعال است که اساساً یک تناقض ذاتی با اصول حقوق بشردوستانه دارد؛ چراکه این رویکرد به دنبال دفع و رفع مخاصمه نیست بلکه به دنبال ایجاد تأثیر در جهت تأمین اهداف امنیت ملی ایالات‌متحده آمریکا است؛ بنابراین نمی‌توان برای تعیین ضرورت نظامی در تعیین آماج تهاجم مسلحانه آن چنانکه قواعد بشردوستانه تصریح می‌کند، " برای تعیین اینکه آیا یک شی در آینده برای کمک مؤثر به اقدام نظامی دشمن استفاده خواهد شد، باید بر معیارهای عینی تکیه کرد" ( International Law Association Study Group, 2017, p332). اصول حقوق بشردوستانه را حاکم بر نظریه مذکور تصور کرد و این مسئله یکی از چالش‌های جدی در مواجهه نظریه عملیات تأثیر محور با قواعد حقوق بشردوستانه و به‌صورت ویژه اصل ضرورت نظامی است.

ضمن اینکه نظریه جنگ جدید<sup>۱</sup> نیز مؤید این امر است که آسیب رساندن به غیرنظامیان یک هدف اصلی است که این یکی از عوارض جانبی جنگ مدرن است که به صورت مستقیم در تضاد با قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که بر اساس آن فقط حمله به اهداف نظامی از اعمال جنگی مشروع تلقی می‌شود ( Rigterink, 2014, p3)؛ بر این اساس اصل ضرورت نظامی نه تنها تزیین بلکه ضایع می‌گردد مگر آنکه قائل به تفسیر موسع از آن شویم که در این صورت بازهم با ذات تئوری جنگ تأثیر محور منافات پیدا می‌کند؛ چراکه سیاست تأثیر محوری به دنبال به کارگیری، حتی قانون و حقوق، علیه اهداف موردنظر خود می‌باشد و تلاش می‌کند حقوق و سازمان‌های بین‌المللی را نیز تحت نظام خود به کار گیرد و نه اینکه خود را مقید به قانون نماید.

## ۱. تفکیک

هم چنان که در مراحل پنج‌گانه طرح‌ریزی عملیات تأثیر محور واضح است همه حوزه‌های نظامی و غیرنظامی هدف طرح‌ریزی قرار می‌گیرند و تفکیک میان هدف‌های نظامی و غیرنظامی به‌عنوان یکی از اصول حقوق بشردوستانه که در درگیری‌های مسلحانه نقش بسیار اساسی دارد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۶: ۷۹) فاقد موضوعیت می‌باشد. چنانکه اصل تفکیک تصریح می‌دارد که بین سربازان و افراد غیر سرباز باید تفکیک صورت گیرد (راجرز و مالرب، ۱۳۸۷: ۳۵).

با این رویکرد، حقوق بشر که به‌ویژه دارای حمایت هنجاری قوی است و در واقع قوی‌ترین هنجارهای حمایتی در درون چارچوب‌های سیاسی و جریان اخلاقی ماست. (Liao & Renzo, 2015: 576) تضعیف و شکننده می‌شود؛ یعنی، باید گفت مطابق با فحوا تئوری، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه محدود به تئوری مذکور می‌شود نه اینکه تئوری درصد انطباق خود با مقررات مذکور باشد.

لذا با این منطق اصالت همه دست آورده‌های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی محل تردید و تهدید قرار می‌گیرد و این امر گویای یک چالش حقوقی بسیار مهم در دوران فعلی برای حقوق بین‌الملل است و این در واقع همان غلبه دادن و حاکم نمودن مخاصمات بر حقوق هستند که در تئوری جنگ تأثیر محور تلاش می‌شود حقوق تحت انقیاد مخاصمات تحلیل شود تا بلکه تحقق‌بخش به اهداف از پیش طراحی شده مخاصمات باشد.

## اصل تناسب

این اصل نیز که مبین حدود اعمال قدرت، چه از حیث ابزاری و چه از حیث قلمرو اعمال قوه قاهره می‌باشد دچار همان محدودیت‌های اصل ضرورت نظامی است؛ چراکه:

اول؛ صرفاً ناظر به حوزه نظامی است و سایر ابعاد درگیری یا مخاصمه تأثیر محور را شامل نمی‌شود.

دوم؛ جایی که تناسب در تنافی با تأثیر مورد انتظار باشد مسلماً قابل اعمال نخواهد بود، مگر آنکه همچنان که در توضیح اصل ضرورت نظامی مطرح شد قائل به توسعه معنایی در اصل باشیم که نتیجه آن مشخص است.

## اصل احتیاط

عنوان ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول، احتیاط (اقدام احتیاطی) در حمله نام دارد و به‌طور کلی دولت‌ها هم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم داخلی، محدود به این اصل هستند و در هدایت عملیات نظامی باید مراقبت دائمی برای حفظ جمعیت شهروندان و اهداف شهری صورت پذیرد (نامدار، ۱۳۹۸: ص ۱۰۵).

این اصل تلاش می‌کند تا هدایت صحیح اعمال سایر اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی در طول مخاصمات مسلحانه را دنبال کند؛ به بیان دیگر در مواقعی که طرفین درگیر در مخاصمه در محاسبات نظامی خود دایر بر اعمال قوه قاهره دچار نوعی تردید می‌شوند، به کمک این اصل می‌تواند تصمیم مناسب را در جهت اعمال سایر اصول بشردوستانه بین‌المللی اتخاذ نمایند. این اصل نیز اساساً با سیاست تأثیر محوری در جنگ سازگاری ندارد و در عمل محدود به اعمال اقدامات تأثیر محوری است که مورد اجرا واقع می‌شوند؛ چراکه این اصل همان‌طور که مطرح شد معطوف به تأثیر اعمال قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر کاهش خطرات ناشی از مخاصمات بر غیرنظامیان قابل اجراست، لیکن مبتنی بر نظریه تأثیر محوری مخاصمات، این اصل مانند سایر اصول حقوق بشردوستانه تحت تأثیر آماج و اهداف مخاصمه تأثیر محور، اولویت خود را از دست می‌دهد و تا جایی قابل توجه است که با اهداف عملیات تأثیر محور عناد و مغایرتی نداشته باشد.

## اصل منع رنج بیهوده

اگرچه به‌حسب ظاهر ممکن است از حیث رنج محدود فیزیکی که سیاست تأثیر محوری نسبت به سیاست تخریب محوری دارد احساس مطابقت بین این اصل با تئوری عملیات تأثیر محور قابل احساس باشد، لیکن باید توجه داشت که اشکال دیگری غیر از جراحت وارده در اثر انفجار یا استفاده

از تسلیحات نظامی وجود دارد که این اصل با دلالتی که دارد نمی‌تواند آن‌ها را پوشش دهد؛ نظیر اینکه در بعد اقتصادی جنگ تأثیر محور آثاری مانند قطع دسترسی بیماران به داروهای اساسی را ایجاد می‌کند که خود مولد رنج بیهوده برای بیماران و رنج بیهوده دیگری برای خانواده‌های آنان است.

## عملیات تأثیر محور، عناصر امنیت ملی و اصول پنج‌گانه حقوق بشردوستانه بین‌المللی

### ۱. نیت ملی

بنا بر تعریف و عناصر شکل‌دهنده به آن و با توجه به چارچوب موردنظر تئوری عملیات تأثیر محور می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که تئوری مذکور نیل به انهدام همه عناصر مولد امنیت ملی را در مخاصمات تعقیب می‌نماید و این امر خود مبین تغییر بنیادین نه‌تنها در مفهوم مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است بلکه به معنای توسعه ابعاد مخاصمه از ساحت صرفاً نظامی به‌تمامی ابعاد حیات یک ملت یا یک اجتماع است؛ لذا خوانش جنگ با معنای تئوریک جنگ مقید یا ملهم از انگاره‌های جنگ جهانی دومی به نظر مدت‌ها است منسوخ شده است و این امر معنای هم‌سنخی را در حوزه حقوق بشردوستانه بین‌المللی افاده می‌کند؛ به این معنا که باید نسبت بین عناصر داخل در تعریف امنیت ملی و اصول پنج‌گانه حقوق بشردوستانه موردبررسی قرار گیرند تا از میزان کارکرد حمایتی و محدودکنندگی که برای آن‌ها تعیین شده اطمینان خاطر حاصل گردد و مشخص گردد که آیا در دنیایی که تئوری عملیات تأثیر محور بر آن حاکم است چه میزان تضمین‌کنندگی را برای حقوق انسان‌ها و حیات بشری دارا هستند. در ادامه به بررسی برخی از این نسبت‌ها و آثار ناشی از آن به شرح زیر می‌پردازیم:

### ۱.۱. اصل ضرورت نظامی و اقتصاد

یکی از اصول اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی اصل ضرورت نظامی است که مطابق با آن، هر فعالیت نظامی باید بر اساس دلایل نظامی توجیه شده باشد، فعالیتی که فاقد ضرورت نظامی باشد ممنوع است؛ زیرا با این کار هیچ مزیت نظامی به دست نمی‌آید. در معاهدات مربوطه، موازینی برای ضرورت نظامی مقرر شده است. ضرورت نظامی را نمی‌توان به‌عنوان مستمسکی برای تعلیق حقوق مخاصمات مسلحانه مطرح نمود (مالرب و راجرز، ۱۳۸۷: ۳۴).

در نگاه اول و با خوانش رایج از این اصل شاید بتوان گفت اصل مذکور در محدوده اقتصاد نظامی - دفاعی قابل اعمال است یعنی اقتصاد نیروهای مسلح متخاصمین قلمرو اعمال این اصل است؛ لیکن

با تغییر مبنا به تئوری عملیات تأثیر محور همه حوزه‌های اقتصادی قلمرو این اصل قرار می‌گیرند و در واقع هیچ حوزه‌ای تحت مصونیت قرار نمی‌گیرد و حوزه‌های اقتصادی غیرنظامی تحت هیچ حمایت و محدودیتی قرار نمی‌گیرند. در واقع اصل مذکور با مبنای تأثیرمحوری، دچار تحول در معنا و مصداق می‌گردد و اصول بنیادین حمایت<sup>۱</sup> و محدودیت<sup>۲</sup> کارکرد و بلکه معنای خود را از دست می‌دهند. به‌عنوان نمونه ششم فروردین ۱۳۹۴ نقطه شروع رسمی حمله عربستان سعودی و تمام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به استثنای عمان طی عملیاتی به نام «طوفان قاطعیت» به یمن است.

در طول این مدت و بر طبق آماري که دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوپا) در آذرماه ۱۳۹۹ در خصوص شمار تلفات جنگ یمن در طول سال‌های گذشته منتشر کرد، تاکنون ۲۲۳ هزار نفر کشته و بیش از ۳ میلیون نفر آواره شده‌اند. پس از گذشت شش سال از شروع جنگ داخلی در یمن، نزدیک به ۸۰ درصد ساکنان این کشور برای گذراندن یک زندگی عادی و بقا به کمک‌های بشردوستانه وابسته‌اند، هم‌اکنون و بر اثر این جنگ و بنا بر آمارهای دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل، حدود نیم میلیون نفر در یمن در شرایط قحطی مطلق زندگی می‌کنند. بر اساس گزارشی که چهار آژانس تحت نظارت و مدیریت سازمان ملل (آژانس‌های امدادی و بشردوستانه) ارائه کرده‌اند، دستکم ۴۰۰ هزار کودک زیر پنج سال، امسال احتمالاً در صورت تداوم شرایط موجود بر اثر گرسنگی جان خود را از دست خواهند داد. بخش مهمی از زیرساخت‌های اقتصادی، خدماتی و تولیدی یمن در پی حملات متجاوزان سعودی از بین رفته است، علاوه بر این‌ها، اقتصاد این کشور ۲۰ سال عقب‌افتاده است.<sup>۳</sup>

همان‌گونه که آمار فوق نشان می‌دهد خسارت وارده بر اقتصاد بخش خصوصی و غیرنظامی یمن بر اثر حملات عربستان سعودی را نمی‌توان بامعنای مورد انتظار از اصل ضرورت نظامی منطبق دانست، هرچند، که در اسناد بین‌المللی بر این موضوع تأکید شده باشد که «ضرورت نظامی را نمی‌توان به‌عنوان مستمسکی برای تعلیق حقوق مخاصمات مسلحانه مطرح نمود» (راجرز و مالرب، ۱۳۸۷: ص ۳۴).

1. PROTECTION PRINCIPAL

2. RESTRICTION PRINCIPAL

۳. خوش آیند، حمید، برندگان و بازندگان جنگ یمن به روایت آمار، شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۹، برای مشاهده بیشتر مراجعه کنید به سایت شورای روابط خارجی ج.ا.ا به آدرس زیر:

<https://www.scfr.ir/fa/300/30101/131328/>



## ۲. اصل ضرورت نظامی و علم

برابر تلقی رایج از اصل ضرورت نظامی، فعالیتی که فاقد ضرورت نظامی باشد ممنوع است (همان). برابر این انگاره انهدام مراکز علمی غیرنظامی و قتل دانشمندان غیرنظامی و به‌طورکلی عناصر غیر مرتبط با نیروهای مسلح دشمن نیز ممنوع است، لیکن در دوره معاصر مشاهده می‌شود که این عناصر مورد تهدید، تهاجم و تعرض قرار می‌گیرند؛ نظیر ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، درحالی‌که هیچ مخاصمه‌ای در جریان نیست و یا حتی بنا بر ماده ۵۱ منشور هیچ وضعیتی برای استناد به دفاع مشروع مطرح نیست که بتوان به آن‌ها استناد نمود و حتی در وضعیت‌های مذکور نیز اقدام علیه عناصر پیش‌گفته فاقد ضرورت نظامی خواهد بود، لیکن با تغییر مبنای تئوریک جنگ به تأثیرمحوری مشاهده می‌شود که این اصل توان مهار نمودن مخاطرات و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی را، حتی به معنای حداقلی خود از دست می‌دهد و صرفاً لفظ و مفهومی در محدوده ذهنی باقی‌مانده و در اسناد حقوقی - بین‌المللی پناه می‌گیرد.

چه اینکه از سال ۱۳۸۸ تا ۹۰ شمسی، چهار دانشمند هسته‌ای (ایران) مسعود علی محمدی (۲۲ دی ۱۳۸۸) مجید شهریاری (۸ آذر ۱۳۸۹) داریوش رضایی‌نژاد (۱ مرداد ۱۳۹۰) و مصطفی احمدی روشن (۲۱ دی ۱۳۹۰) مورد سوءقصد و ترور قرار گرفتند، پس از ترور مصطفی احمدی روشن "یوآو مرد خای" سخنگوی ارتش اسرائیل بایان اینک: ما برای این قتل اشکی نمی‌ریزیم، عمق مخالفت و استراتژی خصمانه این رژیم با پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را آشکار ساخت. این غیریت‌سازی‌ها از طرف رژیم اسرائیل تا حدی بود که حتی برخی مقامات رسمی آمریکایی به‌منظور رفع اتهامات احتمالی، ضمن تبریئه کردن خود اعتراف کردند که "سازمان مجاهدین خلق ایران" با کمک اسرائیل برخی از این ترورها را انجام داده است (شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۹: ۸).

نکته قابل‌توجه در این موضوع آن است که شاید سؤالی مطرح باشد که این اقدامات در زمان مخاصمات انجام‌نشده است و چه ارتباطی بین این ترورها با اصل ضرورت نظامی برقرار است که ناظر به مخاصمات است؟ دقیقاً مسئله اینجا مطرح می‌شود که تغییر پارادایم جنگ مبتنی بر تئوری عملیات تأثیر محور خیلی زیرکانه اصول و قواعد حقوق بشردوستانه را دور می‌زند و مانع حاکمیت آن‌ها بر مخاصمات نوین می‌شود، درواقع ذهنیت و تصور مرسوم و رایج از مخاصمات در بین حقوقدانان

بین‌المللی مبتنی است بر پیش‌فرض‌های ناشی از تئوری جنگ مقید حاکم بر مخاصمات جنگ جهانی دوم، لذا این امر مانع تحقق اهداف بشردوستانه قواعد حقوق بشردوستانه می‌شود و می‌طلبد تا این جاماندگی جبران شده و از هرگونه مصادره به مطلوب اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌منظور صیانت از ابناى بشر جلوگیری شود.

### ۳. اصل ضرورت نظامی و فرهنگ

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در یک پیام توئیتری که بعد از ترور سپهبد قاسم سلیمانی، از مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران صادر کرد، ایران را با عبارتی تأمل برانگیز مورد خطابی تهدیدآمیز قرارداد و گفت<sup>۱</sup> «آمریکا در حال آماده شدن برای هدف قرار دادن ۵۲ سایت ایرانی از جمله سایت‌های فرهنگی مهم برای ایرانیان است، اگر این کشور (ایران) ترور ژنرال قاسم سلیمانی را تلافی کند»<sup>۲</sup>

این تهدید رئیس‌جمهور آمریکا اگرچه در تنافی جدی با بند ۴ ماده ۲ منشور می‌باشد که تصریح می‌دارد «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری خواهند نمود»<sup>۳</sup> لیکن گویای عبور ایالات متحده از قواعد حقوق بشردوستانه حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است که از جمله آن قواعد اصل ضرورت نظامی است که برابر این اصل مصونیت اموال فرهنگی از هرگونه تعرض و تجاوز به رسمیت شناخته شده است به نحوی که ماده ۵۳ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ میلادی که با همین عنوان یعنی حفاظت از اشیاء فرهنگی و اماکن مذهبی تصویب شده است، تصریح می‌دارد اقدامات زیر ممنوع است:

۱. ارتکاب هر اقدام خصمانه‌ای علیه بناهای تاریخی، آثار هنری، اماکن مذهبی، که میراث فرهنگی یا معنوی مردم را تشکیل می‌دهد.

1. Donald Trump said that the US is preparing to target 52 Iranian sites, including those important to "Iranian culture," if the country retaliates for the US's assassination of General Qassem Soleimani.

2. <https://www.businessinsider.com/trump>

3. Article 2 The Organization and its Members, in pursuit of the Purposes stated in Article 1, shall act in accordance with the following Principles. 4 ...All Members shall refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any state, or in any other manner inconsistent with the Purposes of the United Nations.

۲. بهره‌گیری از چنین اشیائی برای حمایت از عملیات نظامی.

۳. اعمال اقدامات تلافی جویانه علیه اموال مذکور.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر نمی‌توان هیچ توجیهی را بین تهدید مذکور و سایت‌های فرهنگی که مؤید ضرورت نظامی باشد یافت، لیکن این تهدید بیانگر رویکرد شناختی نهفته در آن است که آشکارکننده هویت تأثیر محوری در مبنای محاسباتی مخاصمات و نظامی‌گری ایالات متحده است؛ چراکه تخریب اموال فرهنگی صرفاً یک خسارت جانبی نیست، دشمن با ورود خسارت فرهنگی به نسل‌های کنونی می‌خواهد تا نسل‌های دیگر را یتیم کند تا نتوانند بفهمند که چه کسی هستند و از کجا آمده‌اند. کاهش اموال فرهنگی قربانی، همچنین به هویت آن‌ها در نزد جامعه جهانی آسیب وارد می‌کند و موجب کاهش گوناگونی و تنوع جهانی می‌شود. (نژندی منش، ۱۳۹۹: ۲۱۵)

لذا، گستردگی تخریب و سرقت اموال فرهنگی در جنگ‌های اخیر به‌ویژه در عراق و سوریه نیز از یک سو مؤید بحران ناکارآمدی قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی از جمله اصل ضرورت نظامی به معنای رایج و مرسوم آن نزد حقوق‌دانان بین‌المللی است و از سوی دیگر مؤید غلبه تئوری عملیات تأثیر محور در هنجار سازی‌های نوین و عبور از هنجارهای سنتی حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

#### ۴. اصل تفکیک و اقتصاد

برابر اصل تفکیک باید بین اهداف نظامی که می‌توان آن‌ها را هدف حمله قرارداد و اموال و اشیای غیرنظامی که نباید هدف حمله قرار گیرند، تفکیک صورت گیرد (راجرز و مالرب، ۱۳۸۷: ۳۵).

مبنتی بر این اصل می‌توان بیان داشت که در حوزه اقتصاد نیز باید بین اقتصاد نظامی و اقتصاد غیرنظامی نیز تفکیک نمود هرچند به نحو حداقلی به این معنا که می‌توان محدود ه ای را به‌صورت حداقلی در نظر داشت که هم از حیث کاربری و هم از حیث تعریف حقیقتاً غیرنظامی صرف است، لیکن در عمل شاهد آن هستیم که اعمال عملیات مبتنی بر تئوری عملیات تأثیر محور توسط دولت

1. Article 53 [ Link ] - Protection of cultural objects and of places of worship Without prejudice to the provisions of the Hague Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict of 14 May 1954, and of other relevant international instruments, it is prohibited: (a) to commit any acts of hostility directed against the historic monuments, works of art or places of worship which constitute the cultural or spiritual heritage of peoples; (b) to use such objects in support of the military effort; (c) to make such objects the object of reprisals.

سعودی و هم‌پیمانانش موجب نادیده گرفت و نقض‌های گسترده و فاحش اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی شده و این امر تأثیر بسیار اسفناکی را بر حقوق انسانی مردم و غیرنظامیان یمنی گذاشته است به طوری که این وضعیت در گزارش ۲۵ ژانویه ۲۰۲۱ میلادی شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز منعکس شده که طی آن تصریح می‌کند "وضعیت در یمن همچنان رو به وخامت و ویران‌کننده است"<sup>۱</sup> جالب اینجاست که این گزارش سه عامل اصلی را در بروز فاجعه انسانی در جنگ یمن مطرح می‌کند که اولین عامل را "سودجویی اقتصادی توسط همه طرف‌های یمنی که بر امنیت انسانی اثرگذارند (p2/238 Ibid) مطرح می‌کند، از سوی دیگر حدود ۵۶۶ هزار واحد مسکونی نیز بر اثر جنگ تخریب شده است که آثار سوء اقتصادی ناشی از این ویرانی گسترده غیرقابل انکار است و همه این موارد تابعی از ناکارآمدی تعریف رایج از اصل تفکیک به‌عنوان یکی از اصل حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

### ۱.۵. ل تفکیک و علم

یکی از احکام متفرع بر اصل تفکیک این است که بین سربازان و افراد غیر سرباز باید تفکیک صورت گیرد. سربازان را می‌توان هدف حمله قرارداد و غیر سربازان از حمله در امان هستند مگر آنکه مستقیماً در مخاصمات شرکت نمایند (همان). بدون تردید یکی از دستاوردهای اعمال این اصل در مخاصمات مسلحانه حفاظت و حمایت از سرمایه‌های بنیادینی است که امنیت ملی یا بقاء یک ملت به آن‌ها بستگی دارد.

یکی از این سرمایه‌ها "علم" است، البته علم به معنای جامع آن که شامل دانشمندان و اهل علم و همچنین همه لوازم مرتب بر آن شامل اماکن علمی، ابزارهای علم و... نیز می‌گردد، لیکن در دوره معاصر یکی از پدیده‌هایی که ظهور پیدا نموده است، قتل‌های سازمان‌یافته و هدفمند عناصر علمی و دانشمندان کشورهایی است که درگیر مخاصمات مسلحانه هستند، به‌عنوان نمونه، کشور عراق از جمله کشورهای عربی و اسلامی است که بسیاری از دانشمندانش قربانی سیاست وحشیانه ترور... شده‌اند،<sup>۲</sup> آمار زیر حاکی از سازمان‌یافتگی اقدامات تروریستی علیه دانشمندان این کشور، که یکی از ارکان امنیت ملی به شمار می‌روند می‌باشد:

1. Letter dated 22 January 2021 from the Panel of Experts on Yemen addressed to the President of the Security Council

2. <https://www.598.ir/fa/news/481517>

۱. ۳۰۷ عملیات تروریستی علیه دانشگاهیان عراقی و پزشکان ثبت شد که ۷۴ درصد از آن‌ها موفقیت‌آمیز بود و تنها ۲۶ درصد از شخصیت‌هایی که مورد هدف قرار گرفتند توانستند جان سالم به در ببرند.
۲. نخبگان عراقی که قربانی ترور شدند ۳۱ درصد در زمینه علوم مختلف، ۲۳ درصد پزشکی، ۲۱ درصد علوم انسانی، ۱۲ درصد علوم اجتماعی و ۱۳ درصد آن‌ها در زمینه‌های نامشخص تخصص داشتند.
۳. تخصص شخصیت‌های عراقی که در رشته علوم انسانی فعالیت داشته و طعمه ترور موساد شدند ۲۳ درصد مربوط به زبان، ۲۰ درصد حقوق، ۱۶ درصد دین و تاریخ‌شناسی، ۱۱ درصد ادبیات، ۹ درصد هنر و ۵ درصد فلسفه بود.
۴. شخصیت‌های عراقی متخصص در زمینه علوم اجتماعی که قربانی ترور شدند به ترتیب ۴۸ درصد در زمینه آموزش و پرورش، ۱۹ درصد ورزش و تربیت‌بدنی، ۱۱ درصد اقتصاد و دارایی و ۱۱ درصد سایر رشته‌ها فعالیت داشتند.
۵. همچنین نخبگان عراقی از سایر علوم که توسط عناصر موساد ترور شدند ۳۳ درصد در زمینه مهندسی، ۱۴ درصد کشاورزی، ۱۳ درصد فیزیک، ۱۰ درصد شیمی، ۷ درصد زیست‌شناسی، ۷ درصد جغرافیا و زمین‌شناسی و ۹ درصد در زمینه‌های دیگر بودند.
۶. درباره پست و منصب شخصیت‌های عراقی در دانشگاه‌ها که به دست صهیونیست‌ها ترور شدند، ۵۹ درصد استادیار، ۱۳ درصد سایر مشاغل، ۱۱ درصد معاون رئیس دانشگاه، ۶ درصد از روسای گروه‌ها، ۶ درصد مربیان، ۳ درصد دانشجویان و ۲ درصد مشاوران بودند.
۷. شخصیت‌های دانشگاهی عراق بر اساس نوع موسسه‌ای که در آن فعالیت داشتند به این شکل تقسیم می‌شود: ۸۰ درصد دانشگاه‌ها، ۹ درصد بخش بهداشت، ۷ درصد خدمات کشوری، ۳ درصد سایر مراکز آموزشی و ۱ درصد بخش‌های دیگر.
۸. ترور نخبگان عراقی بر اساس جایگاه شغلی آن‌ها به این صورت طبقه‌بندی می‌شود: ۶۴ درصد کسانی بودند که در دانشگاه‌های غیرپزشکی فعالیت داشتند، ۱۳ درصد در دانشکده‌های پزشکی، ۹ درصد پزشکان خارج از دانشگاه، ۷ درصد در بخش امور مدنی فعالیت داشتند، ۴ درصد مربی یا دانشجو و ۱ درصد در مشاغل دیگر کار می‌کردند.
۹. عملیات تهاجمی عناصر موساد علیه شخصیت‌های عراقی که منجر به مرگ آن‌ها نشد: ۳۳ درصد

بازداشت، ۲۳ درصد ترور ناکام، ۱۶ درصد آدم‌ربایی، ۱۱ درصد تهدید به قتل و ۱۷ درصد موارد دیگر.<sup>۱</sup> دکتر اسماعیل جلیلی، دانشمند عراقی - انگلیسی مقیم لندن آنچه بر سر شخصیت‌های آکادمیک عراق آمده است را این‌گونه شرح می‌دهد.

بسیاری از عملیات ترور دانشمندان، موجب کشته‌شدن اعضای خانواده آن‌ها نیز شده است. این عملیات در حال حاضر نیز ادامه دارد و موجب شده است بسیاری از این دانشمندان عراق را ترک کنند. تنها در یکی از موارد، در ماه آوریل ۲۰۰۶ در شهر موصل، تمام پزشکان این شهر تهدید به مرگ شده و از آنان خواسته شد عراق را ترک کنند. در مواردی، با ربایش اعضای خانواده شخصیت‌های آکادمیک، آنان مجبور به ترک کشور یا کنار گذاشتن هرگونه فعالیت سیاسی یا مذهبی شدند. به اعتقاد دکتر جلیلی، این توطئه برای پایان دادن به حیات عراق به‌عنوان یک قدرت استراتژیک در منطقه و تبدیل آن به کشوری ضعیف و بدون زیرساخت‌های علمی و منابع انسانی مجرب طراحی و اجرا شده است.<sup>۲</sup>

همه این موارد و موضوعات مشابه آن نظیر آنچه در مورد دانشمندان هسته‌ای ایران اتفاق افتاده است مبین نهادینه شدن تئوری عملیات تأثیر محور و نسخ تئوری جنگ مقیدی است که مبنای شکل‌گیری قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است و این امر بدان معناست که اصول مذکور با پیش‌فرض‌های تئوری عملیات تأثیر محور توان مواجهه ندارد و در این مورد کاملاً ملموس است که اصل تفکیک هیچ‌وجه اعمالی را در این حوزه ندارد، چه از حیث تفکیک در اهداف (نظامی و غیرنظامی) و چه از حیث تفکیک انسانی (سرباز و غیر سرباز)

## ۱.۶. ل. تفکیک و فرهنگ

فرهنگ و تنوع آن درواقع یکی از مهم‌ترین علائم ممیز جوامع به شمار می‌روند، لیکن به‌رغم اهمیتی که فرهنگ (به معنای محتوایی آن و نه اموال فرهنگی) دارد به نظر می‌رسد تلقی رایج از نسبت بین مقوله فرهنگ با اصل تفکیک اصولاً ناظر بر اموال فرهنگی است تا محتوای فرهنگ، چه اینکه اموال فرهنگی و تاریخی دیرزمانی است که در حقوق بین‌الملل جایگاهی یافته و اهمیت حمایت از آن‌ها بر کسی پوشیده نیست (زحمتکش و آرش پور، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

1. <https://www.mashregnews.ir/>

2. <https://www.mashregnews.ir/>

جامعه جهانی همواره سعی بر آن داشته تا به طرق مختلف از اموالی که متعلق به تمام انبای بشر و نه ملتی خاص است حمایت به عمل آورد که این حمایت در زمان مخاصمات مسلحانه چهره‌ای جدیدتر به خود می‌گیرد. نخستین نشانه‌های هنجاری حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه را در اواسط قرن نوزدهم در قالب تهیه‌ی کد لیبر در زمان جنگ‌های داخلی آمریکا می‌توان دید، هرچند این اقدامات داخلی بودند تا بین‌المللی؛ اما بدون تردید سرمشقی برای تدوین مقررات بین‌المللی پس از خود نظیر مقررات ۱۸۹۹ میلادی و ۱۹۰۷ میلادی لاهه بوده‌اند. تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای تنظیم رفتار متخاصمان در جنگ، در خصوص اموال فرهنگی، در قالب مقررات لاهه ۱۸۹۹ میلادی و ۱۹۰۷ میلادی، کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹ میلادی) و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها در سال ۱۹۷۷ میلادی و کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه (کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه) و سایر معاهدات مرتبط موجود ظهور یافت (همان). فارغ از مقررات قراردادی و مدون فوق، حقوق بین‌الملل عرفی نیز در بسیاری موارد سعی در انقیاد بیشتر متخاصمان در رفتار با اموال فرهنگی و شناسایی قواعدی در خصوص حمایت از این اموال در زمان مخاصمات مسلحانه داشته است (همان).

بر این اساس و در چارچوب تئوری جنگ مقید چه‌بسا همین مقدار از حمایت در مقوله فرهنگ یعنی حمایت از اموال فرهنگی مبتنی بر اصل تفکیک چاره‌ساز بوده و ساحت فرهنگی ملت‌های درگیر در مخاصمه را از گزند آسیب‌های بنیان‌برانداز مورد حمایت و حفاظت قرار می‌داد و اساس فرهنگ به‌عنوان یکی از ارکان امنیت ملی و بقاء حیات یک ملت مورد صیانت در مقابل مخاصمات مسلحانه قرار می‌گرفت، لیکن در چارچوب تئوری عملیات تأثیر محور (بنا بر تعریف) فرهنگ به معنای یکی از ارکان اساسی امنیت ملی جوامع، به‌عنوان مرکز ثقل تهاجم، مورد نظر طراحان عملیات تأثیر محور قرار می‌گیرد تا بدون نیاز به تخریب وسیع و گسترده نیروها و زیرساخت‌های دشمن -و با- حمله به مجموعه‌ای از اهداف خاص، برای رسیدن به تأثیرات مورد نظر -بتوان- زمینه فروپاشی دشمن را فراهم آورد. (جوباگی، ۱۳۸۵: ۱۴) و اینجاست که بدون تحقق مخاصمه مسلحانه سخت و فیزیکی، فرهنگ جوامع به‌عنوان یک هدف در مخاصمه مورد تهاجم قرار می‌گیرد و اتفاقاً تبعات و خسارت‌های سخت و فیزیکی بر بنیان آن شکل می‌گیرد، به‌عنوان مثال تضعیف فرهنگی و ایجاد چند پارچگی در یک نظام فرهنگی ممکن است موجب پیدایش پدیده‌هایی از جمله تکفیر و تروریسم تکفیری گردد که خود منشاء پیدایش مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی باشد و این امر گواهی است بر



اینکه تئوری عملیات تأثیر محور موجب تضعیف و نارسایی و ناکارآمدی در اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی موجود می‌گردد و پیش‌فرض‌های حقوقی شکل‌گرفته مبتنی بر تئوری جنگ مقید نمی‌تواند حافظ حیثیت حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد و برای این امر نیاز به تغییر در نگرش حقوقی موجود یک ضرورت است و نه یک انتخاب.

## نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بررسی شد در چارچوب نظریه عملیات تأثیر محور برخلاف تئوری جنگ مقید، هدف دفع و مقابله با تجاوز نظامی دشمن و یا دفاع نیست که منحصر در روابط بین نیروهای نظامی طرف‌های درگیر باشد بلکه هدفی فراتر از جنگ مقید وجود دارد که دارای ابعاد و شامل عرصه‌های مختلفی است که هرکدام به‌صورت خاص متضمن امنیت ملی کشورها هستند و تضعیف هرکدام از آن ابعاد اعم از اقتصادی، فرهنگی، علمی و... بنا بر تعریف نظریه عملیات تأثیر محور می‌تواند به‌صورت مستقل یک هدف باشند.

لذا با توجه به آنچه پیرامون نسبت بین نظریه عملیات تأثیر محور، امنیت ملی و اصول پنج‌گانه حاکم بر حقوق بشردوستانه بین‌المللی از نظر گذشت، می‌توان گفت تئوری عملیات تأثیر محور از رهگذر غلبه و تحمیل خود به هنجارهای سنتی حقوق بین‌الملل و ایجاد یک چارچوب جدید برای هنجار سازی، قصد دارد تا جریان تقنین در عرصه بین‌المللی را نیز تصرف نماید، لیکن از جمله هزینه‌های این مینا تخریب بلوک‌های صلح و امنیت در حوزه ملی است که سرریز و استمرار این امر به دلیل پیوستگی محیط جهانی در حوزه‌های منطقه‌ای ظاهر شده و نهایتاً امنیت و صلح بین‌المللی را دچار مخاطره خواهد نمود.

و این امر نقطه مقابل تلقی کانتی از حقوق بین‌الملل است که با ظهور تئوری جنگ مقید با استفاده از نظام هنجار سازی رضایی و در پرتو چندجانبه‌گرایی و احترام به حاکمیت دولت‌ها سعی بر مشارکت دولت‌ها در تضمین صلح و امنیت بین‌المللی داشته است.

چه اینکه تنها و تنها تجویز ناشی از نظریه عملیات تأثیر محور، یک‌جانبه‌گرایی و انحصارطلبی است که نتیجه‌ای جز نابودی دست‌آورده‌های بشری در حوزه‌های مختلف از جمله حقوق بین‌الملل را به دنبال نخواهد داشت.

همچنین از جمله آثار و نتایجی که از بحث مطرح‌شده می‌توان گرفت این است که در چارچوب تئوری عملیات تأثیر محور، اساساً اصول پنج‌گانه حقوق بشردوستانه بین‌المللی که بر مبنای ایجاد محدودیت در هزینه‌ها و پیامدهای ناگوار انسانی ناشی از جنگ‌ها و برای کنترل و مهار نمودن آسیب‌های انسانی

ناشی از مخاصمات برای نیل به مقصد غایی حمایت از حق حیات انسان شکل گرفته‌اند، ظرفیت تحقق بخشیدن به این دو اصل بنیادین، یعنی اصل محدودیت و اصل حمایت را از دست می‌دهند و نقش هنجاری آن‌ها به نقشی ابزاری و در اختیار صاحبان قدرت فرو می‌گاهد و وجه تضمین‌کنندگی خود را (در چارچوب نظام معرفتی حقوقی- بین‌المللی رایج و سنتی) از دست می‌دهند و نتیجه قهری این مسئله نقض امنیت در سطح ملی و بین‌المللی است، همان‌گونه که دنیا شاهد آن بوده است که ناامنی داخلی در سوریه و عراق در سال‌های اخیر چگونه بعد از عبور از حوزه ملی در حوزه‌های منطقه‌ای و نهایتاً بین‌المللی ظهور پیدا کرد و حتی کشورهای اروپایی نظیر فرانسه، آلمان و انگلستان هم از آن ناامنی بی‌نصیب نماندند.

## منابع

### منابع فارسی

۱. جلیلی قاسم آقا، امید، سیاست‌گذاری: مفاهیم، الگوها و فرآیندها، مجله رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۷.
۲. خوش آید، حمید، برندگان و بازندگان جنگ یمن به روایت آمار، شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۹.
۳. دیترفلک، ترجمه سید قاسم زمانی و دیگران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، شهردانش، تهران، ۱۳۷۸.
۴. ذوالعین، پرویز، (۱۳۹۵)، مبانی حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. راجرز، آنتونی، مالرب، پل، قواعد کاربردی حقوق مخصصات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۶. زد جوباگی، ترجمه سهراب سوری، عملیات تأثیر محور، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، ۱۳۸۵.
۷. شفیع سیف‌آبادی، محسن، تبیین پروژه ترور دانشمندان هسته‌ای و آینده‌پژوهی اقدامات متقابل ایران، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۹.
۸. ضیایی بیگدل، محمدرضا، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۶.
۹. مجید زحمتکش و علیرضا آرش پور، راهکارهای حمایتی حقوق بین‌الملل عرفی از اموال فرهنگی در زمان مخصصات مسلحانه، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶.
۱۰. نامدار، سعید، حملات سایبری و حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ اول، تهران، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۸.
۱۱. نژندی منش، هیبت الله، افروغ، محمد، حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخصصات مسلحانه: بررسی رویه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۰، نیمسال دوم ۱۳۹۹.
۱۲. نوروزی، محمدتقی، فرهنگ امنیتی - دفاعی، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت، ۱۳۸۵.
۱۳. همایون، محمدهادی، جعفری هفتخوانی، نادر، درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی، درس‌هایی برای سیاست‌گذاران، اندیشه مدیریت، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۸.

1- Alexander, Amanda, A Short History of International Humanitarian Law, The European Journal of International Law Vol. 26 no. 1 EJIL (2015), Vol. 26 No. 1, The Author, 2015. Published by Oxford University Press on behalf of EJIL Ltd.

2- ADVISORY SERVICE ON INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW, What is International Humanitarian Law?, Ircr, 07/2004

3- Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded in Armies in the Field. Geneva, 22 August 1864

4- Firchow, Pamina Maria, "New" War Theory: Does the Case of Colombia Apply?, Peace, Conflict and Development: An Interdisciplinary Journal, Vol. 7, July (2005)

5- Heike Krieger & Jonas Püschmann, Law-Making and Legitimacy in International Humanitarian Law, Published by Edward Elgar UK (2021)

6- HENDERSON, ERROL A, "NEW WARS" AND RUMORS OF "NEW WARS", Pennsylvania State University, State College, Pennsylvania, USA, International Interactions, (2002)

7- Human Rights Council Twenty-eighth session, Agenda items 2, Annual report of the United Nations High Commissioner for Human Rights and reports of the Office of the High Commissioner and the Secretary-General Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights on the human rights situation in Iraq in the light of abuses committed by the so-called Islamic State in Iraq and the Levant and associated groups,

8- INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW AND THE CHALLENGES OF CONTEMPORARY ARMED CONFLICTS, RECOMMITTING TO PROTECTION IN ARMED CONFLICT ON THE 70TH ANNIVERSARY OF THE GENEVA CONVENTIONS, International Committee of the Red Cross 19, avenue de la Paix 1202 Geneva, Switzerland (2019)

9- International Law Association Study Group on the Conduct of Hostilities in the 21st Century, *The Conduct of Hostilities and International Humanitarian Law: Challenges of 21st Century Warfare*, Published by the Stockton Center for the Study of International Law, Volume 93,(2017)

10- Joint Publication 1, ( 2017), *Doctrin for the Armed Forces of the united ststes*.25 ,march, 2013.Incorporating chang1. 12, JULY

11- Lawrence Hill&Cawthorne, *Rights under International Humanitarian Law*, *The European Journal of International Law* Vol. 28 no. 4 EJIL (2017), Vol. 28 No. 4, The Author(s), 2018. Published by Oxford University Press on behalf of EJIL Ltd.

12-Letter dated 22 January 2021 from the Panel of Experts on Yemen addressed to the President of the Security Council

13- Levy, Jack S ,*THEORIES OF WAR AND PEACE* , Columbia University Fall( 2018 )

14- Matthew Liao & Massimo Renzo, *Philosophical Foundations of Human Rights*, OXFORD UNIEERCITY PRESS ,(2015),

15- Melzer, Nils, *INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW A COMPREHENSIVE INTRODUCTION*, International Committee of the Red Cross 19, avenue de la Paix 1202 Geneva, Switzerland, ICRC, November( 2019)

16- Mijalković, Saša & Blagojević, Dušan, *THE BASIS OF NATIONAL SECURITY IN INTERNATIONAL LAW*, Academy of Criminalistic and Police Studies, Belgrade, January (2014)

17- Paul K. Davis, *Effects-Based Operations A Grand Challenge for the Analytical Community*, Published by RAND,(2001)

18- Pejic,Jelena, *The protective scope of Common Article 3: more than meets the eye*, *reveiwof the International Red Cross*, *SELECTED ARTICLE ON INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW*, Volume 93 Number 881 March (2011)

19- Rigterink Anouk,,*New Wars in Numbers: an empirical test of the ‘new war’*

thesis,erc,International Development(2014)

20-Zoltan Jobbagy-Budapest, Approaches to Effects-Based Operations: A Retrospective Analysis of Addressing Causality in War,(2012)

Website

1-<https://ihl-databases.icrc.org/ihl>

2-<https://www.businessinsider.com/trump>

3-<https://www.mashreghnews.ir/>

4-<https://www.scfr.ir/fa/300/30101/131328>

5-<https://www.598.ir/fa/news/481517>